

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: کنی کوئل  
فرستنده: عثمان حیدری  
۲۰ جولای ۲۰۱۹

## اپوزیسیون هانگ کانگ، دولت ترمپ و چپ امریکائی



[Vernon Yuen/NurPhoto via Getty Images]

برخی‌ها در چپ، که نسبت به روایت‌های رسانه‌های عمومی سرمایه‌داری از بحران در خاورمیانه یا امریکای لاتین بدبین هستند، پوشش همان منابع رسانه‌ای را درباره چین قابل اعتماد می‌دانند. ستراتیژی قدرت‌های امپریالیستی غربی برای ترسیم چین به مثابه یک قلدر منطقه‌ای، سرکوبگر تسلسلی اقلیت‌های مذهبی، دولت مافوق پولیسی، استثمارکننده درنده‌خوی افریقا، آلوده‌کننده محیط زیست و غیره نمونه بزرگی از فرافکنی سیاسی است، که در آن بدی‌های خود شما به دیگران نسبت داده می‌شود

\*\*\*\*\*

در نوشتار «ژاکوبین از جلو به ونزویلا خنجر می‌زند» عملکرد چپ امریکائی در همراهی و هم‌صدائی با توطئه‌های امپریالیسم در ونزویلا بررسی شد.

در ۲۴ تیرماه [سرطان] ۱۳۸۹ مطلبی به نام «آنچه که باید در باره اعتراضات هانگ کانگ بدانید»، که نام مناسب‌تر برای آن «آنچه امپریالیسم می‌خواهد درباره اعتراضات هانگ کانگ بدانید» می‌باشد در «اخبار روز» منتشر شد. نوشتار زیر ماهیت این نخله از «چپ» را روشن‌تر می‌کند.

## اپوزیسیون هانگ کانگ و دولت ترمپ

یکی از ضعف‌های سنتی چپ بریتانیا پاسخ‌های آشفته آن به بحران‌های بین‌المللی بوده است. این به ویژه زمانی مزمن‌تر می‌شود که خود امپریالیسم انگلیس به طور ستراتیژیک درگیر است و فشارهای افکار عمومی که رسانه‌های دستگاه به آن شکل می‌دهند، بیش‌تر احساس می‌شود.

در حالی‌که موارد قهرمانانه‌ای از انترناسیونالیسم در جنبش‌های کارگری و کمونیستی وجود داشته است، سلطه چشم‌اندازهای لیبرالی به جای چشم‌اندازهای ضدامپریالیستی یک عامل ثابت در نبرد ایده‌ها در چپ بوده است، این عامل با این واقعیت همراه است که جناح راست جنبش کارگری همیشه خود را با منافع طبقه حاکم بریتانیا در داخل و خارج تنظیم کرده است.

به عنوان مثال، برخی‌ها در چپ، که نسبت به روایت‌های رسانه‌های عمومی سرمایه‌داری از بحران در خاورمیانه یا امریکای لاتین بدبین هستند، پوشش همان منابع رسانه‌ای را درباره چین قابل اعتماد می‌دانند.

ستراتیژی قدرت‌های امپریالیستی غربی برای ترسیم چین به مثابه یک قدر منطقه‌ای، سرکوبگر تسلسلی اقلیت‌های مذهبی، دولت مافوق پولیسی، استثمارکننده درنده‌خوی افریقا، آلوده‌کننده محیط زیست و غیره نمونه بزرگی از فرافکنی سیاسی است، که در آن بدی‌های خود شما به دیگران نسبت داده می‌شود. این پیام روزانه رسانه‌های غربی است. به عنوان مثال، تعداد اندکی در چپ بریتانیا نقش مستقیم امپریالیسم در بحران ونزوئلا را زیر سؤال می‌برند.

دولت ترمپ و دستگاه حزب دمکرات نانسی پلوسی در به رسمیت شناختن خوان گوایدو دلقک به عنوان «رئیس‌جمهور موقت» کشور متحد می‌باشند. دولت بریتانیا و کمیسیون اروپایی نیز همراه با واشنگتن حرکت می‌کنند.

همه آن‌ها این دروغ را پیش می‌رانند که نیکولاس مادورو رئیس‌جمهور قانونی کمک بشردوستانه را متوقف کرد، ادعایی که سریعاً به وسیله نیویورک تایمز، واشنگتن پست، گاردین بریتانیا، سی. ان. ان، بی. بی. سی. و دیگر بلندگوها برای مداخله تکرار شد (گرچه در مواردی نهایتاً پس گرفته شد). در این‌مورد مشخص، برای بخش عمده چپ زمان زیادی طول نکشید تا حقیقت را ببینید.

دست‌های تندروهای نئوکان دولت ترمپ، مانند جان بولتون مشاور امنیت ملی و مایک پومپئو وزیر امور خارجه، در کنار مارکو روبریو سناتور راست جمهوری‌خواه برای ارتقای کودتای نافرجام بسیار آشکار بود.

اما زمانی‌که همین عاملان «تغییر رژیم» در قاره آسیا کار می‌کنند، به نظر می‌رسد آن‌ها نامرئی می‌شوند. نظرات دیرپای چین درباره مداخله خارجی در هانگ کانگ با گفتن این‌که «اگر این‌را نگویند چه بگویند؟» کنار گذاشته می‌شود.

فعالان راست‌گرای محلی را که با علامت‌های «رئیس‌جمهور ترمپ: لطفاً هانگ کانگ را آزاد کنید» و زیر پرچم استعمار انگلیس در داخل ساختمان شورای قانونگذاری هانگ کانگ راهپیمایی کردند شاید بتوان به مثابه یک اقلیت ساده‌لوح سیاسی نادیده گرفت.

اما اپوزیسیون سابقه‌داری را که از ایالات متحده و بریتانیا می‌خواهد در هانگ کانگ مداخله کند، چطور؟

اوایل امسال، در اواسط مارچ، پیش از آن‌که اکثر مردم در هانگ کانگ، چه برسد در غرب، از جزئیات «لایحه استرداد» باخبر شوند، «شورای امنیت ملی ایالات متحده» از سیاستمداران اپوزیسیون در هانگ کانگ دعوت کرد به واشنگتن بروند. کمی بعد، تحت سرپرستی آنسن چن، بلندپایه‌ترین کارمند در آخرین دولت استعماری انگلیس، جلسه‌هایی با مایک پنس معاون ترمپ و خود «شورای امنیت ملی ایالات متحده» برگزار شد.

چن به رسانه‌ها گفت: «معاون رئیس‌جمهور بروشنی درباره حقوق و آزادی‌ها، از جمله حقوق مذهبی، در هانگ کانگ نگران است.» موضوع اصلی متوقف ساختن تمديد «قانون مجرمان فراری» (لایحه استرداد) بود.

دنيس كواک [متولد كانادا، و فارغ‌التحصیل مدرسه راگبی و دانشگاه کینگز لندن- عدالت] که در هیأت نمایندگی تحت سرپرستی چن حضور داشت پس از ملاقات با «شورای امنیت ملی ایالات متحده» گفت که دولت ایالات متحده «به آنچه در هانگ کانگ می‌گذرد توجه بسیار دارد و هنگامی که به هانگ کانگ می‌رسد استرداد مطمئناً در صدر اولویت‌های آن‌ها قرار دارد.»

آن‌ها به ویژه به این که لایحه چگونه «مستقیماً بر منافع شرکت‌ها و شهروندان آمریکایی که در هانگ کانگ هستند یا از طریق هانگ کانگ عبور می‌کنند، تأثیر خواهد گذاشت» علاقه‌مند بودند.

چن نیز به «قانون ایالات متحده- هانگ کانگ ۱۹۹۲» اشاره کرد که می‌گوید ایالات متحده به هانگ کانگ به مثابه «یک قلمرو گمرکی مستقل و یک موجودیت اقتصادی جدای از باقی چین» نگاه می‌کند. این قانون در تسهیل تجارت با ایالات متحده برای هانگ کانگ مزایای قابل توجهی دارد و از دست دادن آن خسارات جدی به اقتصاد هانگ کانگ وارد خواهد کرد.

با توجه به اختیارات پولی و ارز جداگانه، قوانین مالیاتی، نظام بانکی و قوانین مالکیت در هانگ کانگ، این بروشنی بازتابی از واقعیت اقتصادی است.

با این وجود، اگر هانگ کانگ جایگاه خود را در قانون ایالات متحده از دست بدهد، می‌تواند مورد تعرفه‌های تنبیهی، تحریم‌های اقتصادی و یکسری محدودیت‌ها بر تجارت هانگ کانگ قرار گیرد.

این‌ها نخستین علایمی بود که نشان می‌داد اپوزیسیون هانگ کانگ و دولت ترمپ این «لایحه استرداد» را به جنگ اقتصادی جاری ایالات متحده-چین وصل خواهند کرد.

در اواسط ماه مه، این رشته‌ها شکلی روشن به خود گرفت. درست چند هفته پیش از نخستین بسیج عمده علیه قانون استرداد مجرمان، دومین هیأت بلندپایه، این بار تحت سرپرستی مارتین لی، بنیانگذار حزب دموکراتیک هانگ کانگ در پایتخت ایالات متحده مورد استقبال گرم قرار گرفت.

هیأت این بار با مایک «تغییر رژی» پومپئو وزیر امور خارجه، و سپس با نانسی پلوسی سخنگوی مجلس نمایندگان و قدرتمندترین دموکرات در کنگره ملاقات کرد.

نقطه اوج سفر لی دعوت از او برای گواهی دادن در برابر کمیسیون اجرائی کنگره ایالات متحده پیرامون چین به ریاست مارکو روبیو بود. زمان آن سفر ابداً تصادفی نبود. در آن نقطه زمانی روبیو لایحه‌ای را به نام «قانون حقوق بشر و دموکراسی در هانگ کانگ» در دست تهیه داشت.

این قانون از جمله:

– «رئیس‌جمهور را ملزم می‌سازد برای حمایت از شهروندان و شرکت‌های ایالات متحده از خطراتی که قانون مجرمان فراری در بر دارد- از جمله با تجدیدنظر در توافق استرداد بین ایالات متحده و هانگ کانگ و اخطار درباره سفر به هانگ کانگ به وسیله وزارت امور خارجه- یک ستراتیژی تدوین نماید.»

– «وزیر بازرگانی را ملزم می‌سازد هر سال پیرامون این که آیا مقررات صادراتی ایالات متحده درباره اقلام حساس دارای کاربرد دوگانه و تحریم‌های ایالات متحده و ملل متحد-به ویژه تحریم‌ها علیه ایران و کوریای شمالی- به طور مناسب رعایت می‌شوند یا نه، یک گزارش تهیه نماید.»

به طور خلاصه، خواست قانون روبیو این است که هانگ کانگ استرداد به ایالات متحده را مجاز و استرداد به بخش‌های دیگر چین را غیرمجاز بداند

به علاوه، این قانون دولت هانگ کانگ را در ارتباط با دو حکومت مستقل دیگر [ایران و کوریای شمالی] تابع تحریم‌های فراقانونی ایالات متحده قرار می‌دهد.

اگر هانگ کانگ به شرایط روبیو عمل نکند، قانون عمل مستقیم علیه مقامات دولت هانگ کانگ و لغو قانون ۱۹۹۲ را درباره وضعیت هانگ کانگ به مثابه یک هویت اقتصادی مجزا از چین، در نظر می‌گیرد.

گرچه نسبتاً عادی است که سیاستمداران برای رسیدن به شرایط تجاری مناسب‌تر به لابی‌گری با دولت‌های خارجی متوسل شوند، اما این با برنامه هیأت تحت سرپرستی لی که علناً از پیش‌نویس قانون روبیو حمایت می‌کرد، بسیار متفاوت بود.

نیتن لا [۲۶ ساله، رهبر سابق فدراسیون دانشجویان هانگ کانگ- عدالت]، یکی از بنیانگذاران گروه رادیکال «دموسیتو» گواهی داد: «امید من این است که قانون حقوق و دموکراسی هانگ کانگ بتواند به حمایت بیش‌تر منجر شود. قانون علامت روشنی به چین و جهان خواهد فرستاد که این کشور به ارزش‌های جهانی که همه ما داریم متعهد است.»

گواهی خود لی در یک لحظه کلیدی جنگ تجاری ایالات متحده- چین چنان‌که باید مورد قضاوت قرار گرفت. لی ادعا کرد: «بیجینگ می‌تواند به مثابه راهی برای بیرون کشیدن اسرار تجاری شرکت، نرم‌افزار و دیگر مالکیت‌های فکری با توسل به اتهامات ساختگی خواستار استرداد امریکائی‌ها از هانگ کانگ بشود.»

به نظر می‌رسد جهنمی که او برای هانگ کانگ پیش‌بینی می‌کرد به طرز فاحشی فقط یک ملاحظه ثانویه بوده باشد. «ایالات متحده در مسدود نمودن این قانون یک منفعت ویژه دارد- و در واقع می‌تواند هدف ویژه این قانون باشد. ایالات متحده با چین قانون استرداد ندارد، اما با هانگ کانگ دارد. این بدین معنی است که امریکائی‌هایی که ساکن هانگ کانگ هستند یا از هانگ کانگ دیدن می‌کنند می‌توانند سر از زندان چین درآوردند»

لی همچنین عمیقاً برای نیروهای مسلح ایالات متحده نگران بود: «پرسنل نیروی بحری ایالات متحده می‌تواند در جریان تردهای عادی در بندرگاه عمیق هانگ کانگ در معرض خطر قرار گیرند.»

طبق برنامه، در ۱۳ جون، درست یک روز پس از اعتراض وسیع در هانگ کانگ، روبیو رسماً اجرای «قانون حقوق بشر و دموکراسی در هانگ کانگ» را با حمایت دو حزب [جمهوری‌خواه و دمکرات] اعلام کرد: «در حالی‌که بیش از یک میلیون هانگ کانگی در اعتراضات به متمم‌های قانون استرداد قلمرو به خیابان‌ها آمده اند، ایالات متحده باید یک پیام محکم بفرستد که ما با کسانی هستیم که به طور مسالمت‌آمیز از آزادی و حکومت قانون و علیه مداخله فزاینده بیجینگ در امور هانگ کانگ دفاع می‌کنند.»

گاهی اوقات در سیاست‌های بین‌المللی وقت‌شناسی همه چیز است. لایحه استرداد در بحبوحه جنگ تجاری ایالات متحده با چین ظهور نمود.

اپوزیسیون هانگ کانگ سودمندی بالقوه کارزار خود را برای منافع اقتصادی و حتا نظامی ایالات متحده دید و حمایت ایالات متحده در بالاترین سطوح را خواستار شد.

برخی ممکن است این‌را یک مائده الهی، یکی از آن لحظات بسیار نادر در زندگی که از یک تصادف فرخنده ناشی شده است، بدانند. برای روان‌های بدگمان این بسیار شبیه یک تبانی سیاسی هماهنگ‌شده به نظر می‌رسد.

برگرفته از: [مورنینگ استار](#)

منبع: گاردین، نشریه حزب کمونیست استرالیا  
تارنگاشت عدالت